

ساخت نظام امنیّت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر ژئوپلیتیک

بهادر زارعی^۱

غلامرضا نصیرپور^{۲*}

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

امروزه تصمیم‌سازان و متخصصان امنیّت ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با توجه به تنگناها و محدودیت‌های موجود، به دنبال طراحی نظام امنیّت منطقه‌ای مقبول خویش می‌باشند. در این مقاله تلاش خواهد شد بر پایه عوامل ژئوپلیتیک این موضوع مورد تحلیل قرار گیرد. بنای این نوشته بر این خواهد بود که به بررسی دیدگاه‌های موجود ژئوپلیتیکی (موافق و مخالف) در مورد امکان حرکت ایران به سمت ایجاد یا مشارکت در نظام امنیّت منطقه‌ای بپردازد. روش انجام این پژوهش توصیفی تحلیلی و روش جمع آوری داده‌های آن کتابخانه‌ای و استفاده از منابع و متون داخلی و خارجی خواهد بود و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصان در این حوزه خواهد بود. مطابق یافته‌های تحقیق بر پایه عوامل ژئوپلیتیک، امنیّت منطقه‌ای ایران و به تعاقب آن شکل‌دهی به یک سازه ژئوپلیتیکی توسط ایران به دلایل زیر به آسانی امکان‌پذیر نیست: عدم بهره‌برداری مناسب دولت‌مردان ایران از موقعیّت و ظرفیّت‌های ژئوپلیتیکی در راستای ایجاد ائتلاف امنیّت منطقه‌ای، چالش‌ها و تضادهای ژئوپلیتیکی موجود در محیط استراتژیک و پیرامونی ایران، قرار داشتن ایران در مرکز توجه قدرت‌های جهانی و به عبارتی قرارگیری آن به عنوان بخشی از ژئواستراتژی قدرت‌های خارجی، ناسازگاری هدف‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای بین کشورهای همسایه ایران. لذا محیط امنیّتی ایران ناکارآمدترین منطقه در جستجو برای روندهای منطقه‌گرای بوده است. از سوی دیگر برخی معتقدند ایران برای شکل‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای امنیّتی دوجانبه و چندجانبه اولاً می‌بایست سیاست «ثبات‌سازی» را مهم‌ترین راهبرد امنیّتی در محیط استراتژیک خود قرار دهد و ثانیاً ماهیّت، روابط و چالش‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران و همسایگانش به گونه‌ای است که ایران بدون قاعده‌مندسازی روابطش با مراکز قدرت جهانی نمی‌تواند سازه‌های منطقه‌ای یکپارچه و دارای همگرایی و تعامل سطح بالا در حوزه‌های ژئوپلیتیکی پیرامونی‌اش شکل دهد.

واژه‌های کلیدی:

ژئوپلیتیک، نظام منطقه‌ای، امنیّت منطقه‌ای، محیط استراتژیک.

^۱. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: Email: G.nasirpoo@casu.ac.ir



مقدمه

فروپاشی نظام دوقطبی زمینه ورود به عرصه جدیدی از مطالعات امنیتی به شمار می‌رود. ناتوانی جریان غالب در تعریفی موسع و چندبعدی از مفهوم امنیت، منجر به پیدایش مکاتب نظری جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل شد. در این بین، مکتب کپنهاک از جمله این مکاتب نظری است که با تحلیل در سطح منطقه‌ای به مطالعه امنیت ملی کشورها می‌پردازد. یکی از مواردی که بر امنیت ملی کشورها تأثیر عمیقی می‌گذارد، کیفیت نظام امنیتی منطقه‌ای است. امنیت منطقه‌ای، مجموعه‌ی تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملی است که اعضای یک نظام منطقه‌ای در زمانی خاص آن را به کار می‌برند. بنابراین، امنیت یا ناامنی منطقه‌ای می‌تواند از مجموعه سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌های جمعی به دست آید (منتظران، ۱۳۹۵). ساختار نظام امنیت منطقه‌ای از سوی دولت‌های واقع در یک منطقه خاص جغرافیایی و با هدف تأمین امنیت در آن منطقه شکل می‌گیرد. چگونگی شکل‌گیری ساختارهای امنیت منطقه‌ای هم می‌تواند موجبات ارتقای سطح امنیت ملی بازیگران را فراهم کند و هم کاهش ضریب امنیت ملی را موجب شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). فقدان و یا کیفیت پایین این ساختارهای امنیت منطقه‌ای ممکن است ارتقای سطح امنیت ملی برخی واحدهای سیاسی را کم کند یا ضریب امنیت ملی برخی دیگر از واحدها را کاهش دهد. بنابراین، تأثیرپذیری کشورهای واقع در این نظام امنیت منطقه‌ای، هم به الگوی گزینشی نظم در چارچوب آن نظام و هم به میزان و سطح نقش‌آفرینی و جایگاه آن کشور در ایجاد نظم امنیتی تکوین‌یافته بستگی دارد (منتظران، ۱۳۹۵).

به باور کارشناسان مسائل ژئوپلیتیک، بدون شک عوامل ژئوپلیتیکی در ذات خود محملی برای ایجاد منازعات و تنش‌های سیاسی و امنیتی هستند. آن چه موجب خواهد شد تا این عوامل در مسیر توسعه و امنیت مشترک قرار گیرند، به کیفیت اندیشه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی دولتمردان بستگی دارد. این موضوع بدین معنی است که رها کردن عوامل ژئوپلیتیکی و بی‌توجهی به آنها، قطعاً محملی برای ایجاد تنش و بحران بوده و خواهد بود (کریمی پور، ۱۳۹۴). امروزه جمهوری اسلامی ایران سردمدار شعار طراح «الگوی امنیت بومی» در منطقه است. اگر چه به نظر می‌رسد در این مسیر با چالش‌های اساسی مواجه است، اما بر اساس آن چه در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای رسیدن به این هدف، توجه به برخی مؤلفه‌های منطقه‌ای از جمله عوامل ژئوپلیتیکی است.

ایران بر اساس موقعیت و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی‌اش از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در تأمین امنیت منطقه خود برخوردار است، اما از جهت تشکیل ائتلاف منطقه‌ای قدرتمند با موانع

ساختاری روبه روست. واقعیت‌های ژئوپلیتیکی، واقعیت‌هایی هستند که از ماهیت جغرافیایی - سیاسی برخوردار بوده و بیانگر ویژگی‌های جغرافیایی - سیاسی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی، استراتژی‌ها، منافع و اهداف ملی، امنیت ملی، تمامیت ارضی، بقاء و موجودیت کشورهاست (زارعی، ۱۳۹۷: ۳۷۱). به بیان دیگر، ایران به واسطه وسعت سرزمینی و داشتن عمق استراتژیک مناسب، موقعیت ترانزیتی و جغرافیایی ممتاز، همجواری با آب‌های بین‌المللی، توان‌های محیطی و منابع طبیعی سرشار، تعداد جمعیت و کیفیت نیروی انسانی و همسایگی با کشورهای محصور در خشکی دارای جایگاه منطقه‌ای مطلوبی جهت حفظ و تقویت برتری و امنیت منطقه‌ای بر پایه عوامل ژئوپلیتیکی است. البته این اهمیت همواره در طول تاریخ وجود داشته است. اما حاکمان و سیاست‌گزاران ایران در ادوار مختلف به استناد شواهدی همچون عدم آگاهی و یا حداقل شناخت ناکافی از این موقعیت و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند در جهت تأمین منافع ملت ایران به طور عام و تأمین امنیت ملی و منطقه‌ای به طور خاص بهره‌برداری اصولی نمایند. لذا به دلیل فقدان الگوی امنیتی بومی، توجه و رویکرد اساسی و استقبال دولتمردان از طرح‌ها و «الگوهای امنیتی وارداتی» است که اساساً محمل و نتیجه منازعات قدرت‌های بزرگ بین‌المللی بوده است (مومن زاده، ۱۳۹۸).

فارغ از اینکه ایران در دهه‌های اخیر تا چه حد توانسته است الگوهای فوق را تحقق بخشد، این پرسش فراروی کارشناسان و تصمیم‌گیران قرار دارد که آیا جمهوری اسلامی ایران قادر به طراحی نظام منطقه‌ای با رویکرد امنیتی می‌باشد؟ پاسخ به این پرسش از جنبه‌های مختلف ضرورت داد. با این وجود، در این مقاله تلاش خواهد شد تا این موضوع بر پایه عوامل ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر، بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که گستردگی ابعاد قدرت منطقه‌ای ایران در دوران جدید ایجاب می‌نماید تا موضوع تشکیل ساختارهای منطقه‌ای جدید با محوریت ایران و یا عضویت در برخی ساختارهای موجود منطقه‌ای به منظور بهره‌گیری از این فرصت‌ها و همچنین کاهش هزینه‌های امنیتی جدید ناشی از حضور سنگین بزرگترین تهدید (آمریکا) در منطقه، در دستور کار دیپلماسی ایران و سیاست خارجی آن قرار گیرد.

بر این اساس، مقاله حاضر در پی پاسخ به این ادعاست که به نظر می‌رسد ژئوپلیتیک ایران، نوع خاصی از رویکرد امنیت منطقه‌ای را در جهت تأمین منافع امنیت ملی آن تجویز می‌نماید که به دلیل عدم توجه به آن در گذشته، تاکنون ایران نتوانسته است از این موقعیت بهره‌برداری لازم را برد. بنابراین پژوهش حاضر در پی تحلیل عوامل ژئوپلیتیکی ایران و نقش آن در ساخت نظام امنیت منطقه‌ای می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظام امنیت منطقه‌ای

باری بوزان با دفاع از سطح تحلیل منطقه‌ای، نظریه مجموعه منطقه‌ای امنیت را بنیان نهاد. نظریه بافتار منطقه‌ای امنیت ناظر بر مجموعه‌هایی است که یگانه وجه تمایز عینی آن جغرافیاسبت (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامل گروهی از کشورها است که یک عرصه خاص جغرافیایی را در نظام بین‌المللی تشکیل داده‌اند. بر مبنای نظریه مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای، مجموعه‌های امنیتی، منطقه‌ای از نظم‌های منطقه‌ای متمایز هستند. مجموعه‌های امنیتی عوامل خارجی امنیتی هستند که کشورها را بهم پیوند می‌زنند و کاری با را و روشی را که این کشورها برای اداره روابط امنیتی خود می‌جویند، ندارد. در این دیدگاه، مجموعه ناظر بر منطقه‌ای است که اعضا از نظر امنیتی چنان به هم وابسته‌اند که کنش‌های هر یک از اعضا و تحولات مهم امنیتی در داخل هر یک از آنها تأثیر عمده‌ای بر دیگر کنش‌گران دارد.

بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را شامل مجموعه‌ای از واحدها که فرایندهای اصلی امنیت، عدم امنیت یا هر دو آنها به‌گونه‌ای با یکدیگر مرتب است که مسائل امنیتی آنها به‌صورت منطقی نمی‌تواند جدا از یکدیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته یا حل و فصل شود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). بوزان همچنین این مجموعه‌ها را براساس عامل جغرافیا، شناسایی و تعیین می‌کند، اگرچه مرزهای آنها ممکن است مبهم باشد. سرانجام اتخاذ چنین برداشت و مفهومی به منظور تأکید بر این نکته است که فرایندهای امنیتی منطقه‌ای ممکن است دارای حیاتی جدا از نظام جهانی باشد و تأثیر نظام جهانی را به‌صورت‌های متفاوت منعکس کنند (مورگان، ۴۱: ۱۳۸۱). تاکنون نظریه‌های مختلفی در خصوص امنیت منطقه‌ای مطرح شده است که می‌توان از الگوی تأمین امنیت از طریق مدیریت دسته جمعی، امنیت در جامعه امنیتی تکثرگرا، امنیت از طریق همگرایی، امنیت مبتنی بر استیلا و امنیت از طریق کاربرد قدرت برای مهار قدرت (توازن قدرت) به عنوان مهم‌ترین الگوهای مدیریت نظم‌های منطقه‌ای نام برد (واعظی، ۲۸-۲۷).

نظم منطقه‌ای چنانکه گفته شد، در واقع، الگوی غالب مدیریت امنیتی در داخل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است. در چارچوب گونه‌شناسی این الگوها، می‌توان سه گونه کلی الگوی موازنه قوا، الگوی کنسرت قدرت‌های بزرگ و الگوی مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه را از یکدیگر متمایز و بازشناسی کرد (صالحی، ۱۳۹۰). الگوی موازنه قوا، همان سیاست بین‌المللی سنتی است که در چارچوب به کارگیری قدرت برای مهار قدرت معنا می‌یابد. در منطقه‌ای که چنین الگویی مسلط و حاکم است، کشورها عمدتاً امنیت را از طریق ایجاد و حفظ توزیع قدرت مناسب و با ثبات پی می‌گیرند. این توزیع قدرت ممکن است ماهیتاً تک‌قطبی

یا هژمونیک، دوقطبی یا چندقطبی باشد. مناقشات بین کشوری بر این اساس تجزیه و تحلیل می‌شوند و در این میان، مجموعه امنیتی خاورمیانه، بهترین و بارزترین نمونه است (مورگان، ۱۳۸۱: ۵۷). در الگوی کنسرت قدرت‌های بزرگ، امنیت منطقه‌ای عبارت از مسئولیت دسته‌جمعی قدرتمندترین کشورها در مجموعه امنیتی است که با فراهم آوردن نظم و امنیت به صورت خیر عمومی، اقدامات‌شان مشروعیت می‌یابد. این کشورها، منافع حیاتی یکدیگر و حق مشارکت در کنسرت را پذیرفته و سیاست خارجی خود را بر این اساس سامان می‌دهند (صالحی، ۱۳۹۰). بنابراین، هر کنسرت، به دو صورت به امنیت منطقه‌ای کمک می‌کند. نخست، متضمن عزم قدرت‌های عمده برای اداره و فرونشاندن مناقشات است و دوم، سازوکاری را برای همکاری آنها فراهم می‌کند تا از طریق آن با سایر موضوعات امنیتی روبرو شوند (مورگان، ۱۳۸۱: ۵۹).

در چارچوب الگوی مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه نیز وقتی اعضای هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خود را برای اداره صلح و امنیت به عنوان یک جمع مطرح می‌سازند، مدیریت تنها حق ویژه و امتیاز کشورهای عمده و بزرگ نبوده و اقدامات آنها باید از توافق و تأیید جمعی نیز برخوردار باشد. چنین مدیریتی، عمدتاً در قالب سازمان‌های منطقه‌ای برای تدارک و توسعه حقیقت‌یابی، میانجی‌گری، آشتی و مصالحه و حفظ صلح و همچنین، وضع رژیم‌هایی برای نظارت بر تحولات خطرناک یا توسعه کنترل تسلیحات و سایر محدودیت‌ها، اعمال می‌شود (صالحی، ۱۳۹۰). هدف غایی در امنیت دسته‌جمعی، امنیت دسته‌جمعی و پلسونی است که در آن، صلح به صورت دسته‌جمعی و در صورت لزوم، از طریق واکنش تأدیبی برقرار می‌شود (مورگان، ۱۳۸۱: ۶۰).

ژئوپلیتیک و نظام امنیت منطقه‌ای

ژئوپلیتیک به عنوان یکی از عوامل اصلی و به تعبیری پایدارترین عنصر قدرت ملی هر کشوری قلمداد می‌شود. با این وجود، برخی کشورها از داشتن این مؤلفه مهم تا حدود زیادی کم بهره و در مقابل، بعضی از این نظر دارای برتری‌های ویژه‌ای هستند. ژئوپلیتیک به معنای توانایی مدیریت برقراری ارتباط منطقی بین عناصر جغرافیایی قدرت در راستای تقویت قدرت ملی است. بنابراین یکی از رویکردهای بنیادین ژئوپلیتیک، قدرت است. سائول بی. کوهن معتقد است جان کلام تحلیل‌های ژئوپلیتیکی را رابطه قدرت سیاسی بین‌المللی با محیط جغرافیایی تشکیل می‌دهد. نگرش‌های ژئوپلیتیکی با تحول محیط جغرافیایی و بسته به تعبیر انسان از ماهیت این تحول، تغییر می‌پذیرد (Cohen, 2015: 157). از منظر ژئوپلیتیک قلمروهای جغرافیایی به فراخور

موقعیت و محتوایی که دارند در معنابخشی به الگوهای رفتاری (همکاری، رقابت و ستیز) واحدهای سیاسی نقش آفرینند و سازنده و هویت بخش رویدادهای نواحی مختلف جهانند (زارعی ۱۳۹۷: ۹۳). از این رو می‌توان گفت ژئوپلیتیک به مطالعه روابط متقابل سیاست (قدرت) و جغرافیا (فضا، مکان و قلمرو) می‌پردازد (کاویانی و مالداری ۱۳۹۶: ۳).

امروز می‌توان بنیاد ژئوپولیتیک را بر سیاست‌های جهانی مربوط به رقابت قدرت‌ها یا مطالعه روابط رقابتی میان قدرت‌ها دانست. عامل رقابت می‌تواند سرزمین و موقعیت سرزمینی تا رقابت بر سر منابع، بازار، محصولات و کالاها، ایدئولوژی و غیره باشد. به زبان دیگر، ژئوپولیتیک عبارت است از: مطالعه رقابت قدرت‌ها برای سلطه بر منطقه یا جهان، بر اساس امکاناتی که جغرافیا در اختیار هر یک می‌گذارد، یا امکاناتی که هر یک از قدرت‌ها در رقابت با دیگری از محیط جغرافیایی دریافت می‌کند. ژئوپولیتیک از رابطه میان سه عنصر اصلی به وجود می‌آید که عبارت است از: «رقابت» که مولد سیاست است، «قدرت» که پدیده‌ای سیاسی است و «جغرافیا» که فضای لازم را در اختیار می‌گذارد (مجتهدزاده ۱۳۹۱، ۹-۷). مسئولیت ژئوپولیتیک در وهله نخست، به‌ویژه شناسایی و بررسی تأثیرات جغرافیا بر سیاست خارجی دولت و قدرت‌های درگیر در قلمروهاست. در وهله دوم، جست و جو، یافتن و تبیین اندرکنش‌ها در قلمرو رقابت و در پایان و به‌ویژه پیش‌بینی رویکرد و کارکرد بازیگران در این قلمروهاست (کریمی پور ۱۳۹۴، ۱۰-۸).

یکی از موضوعاتی که ژئوپولیتیک در سال‌های اخیر به آن توجه خاصی مبذول داشته است، جایگاه امنیت منطقه‌ای در حوزه سیاست خارجی است. به تأکید مویر، چنانچه بپذیریم ایجاد و بسط امنیت منطقه‌ای یکی از حوزه‌های مهم مرتبط به سیاست خارجی است در آن صورت یکی از اهداف ژئوپولیتیک، تحلیل کشورداری یا سیاست خارجی است. این تحلیل، موضوعی بسیار مهم برای تحقیق در ژئوپولیتیک است؛ زیرا کارشناسان آن، درگیر شکل‌دهی و ارزیابی تفاسیر مربوط به فضا و مکان می‌شوند. به عبارتی، ژئوپولیتیک به جای تمرکز صرف بر شناسایی تأثیر عوامل جغرافیایی بر شکل‌گیری سیاست خارجی سعی دارد این نکته اساسی را تبیین نماید که سیاست‌مداران چگونه تصاویر ذهنی خود از جهان را ترسیم می‌کنند و چگونه این بینش‌ها بر تفاسیر آنها از مکان‌های گوناگون تأثیر می‌گذارد؟ (مویر، ۱۳۷۹: ۳۹۱ - ۳۹۰). باید به خاطر داشت، یک مجموعه امنیتی و ژئوپولیتیکی دارای مکان و فضایی جغرافیایی است. فضا و مکان جایی است که در آن روابط امنیتی متوالی وجود دارد و اعضاء کشورهایی هستند که عمیقاً در این روابط شرکت می‌جویند. کشورهای شرکت کننده، تعاملات و امنیت خود را در ارتباط تنگاتنگ با امنیت بعضی یا همه اعضاء دیگر در آن منطقه ژئوپولیتیکی تلقی می‌کنند تا کشورهایی

که در این تعاملات شرکت نمی‌جویند. این دسته از برداشتها و ادراکات جغرافیایی مربوط و عضویت مجموعه را تعریف می‌کند (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۵۳).

هر منطقه دارای فضای امنیتی منحصر به فردی است که اغلب به وسیله موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک آن تشریح و تعیین می‌گردد و فضای امنیتی آن نیز تحت تأثیر عواملی چون میزان حضور و علاقه قدرت‌های بزرگ و میزان همسایگان قدرتمند در حیات سیاسی و اقتصادی منطقه می‌باشد (زارعی، ۱۳۸۵: ۴۳). اما مسائل مطرح شده در ژئوپولیتیک منطقه‌ای و مناقشات امنیتی آن اغلب ریشه در سرزمین، قومیت (غالباً وابسته به سرزمین) یا مذهب داشته و در رابطه با کشورهای نزدیک (همسایه) باید جستجو نمود (همان: ۶۰).

ماهیت نظام بین‌الملل در دنیای امروز به شکلی است که با افزایش دامنه نقش و نفوذ و منافع ملی قدرت‌ها، ضرورت گسترش تعامل و همکاری و نیاز به ائتلاف و منطقه‌گرایی نیز بیشتر می‌شود. بنابراین همان‌طور که در جامعه ملی هیچ فردی نمی‌تواند به تنهایی به قدرت سیاسی دست یابد و به ناچار باید در پناه یک حزب جایگاهی در معادلات سیاسی پیدا کند، یک کشور هم نمی‌تواند به تنهایی در معادلات قدرت جهانی جایگاهی پیدا کند. از این رو، منطقه‌گرایی خود را بر همه کشورها تحمیل می‌کند و در این میان کشورهایی موفق خواهند بود که با تمهیدات لازم به استقبال آن رفته و قدرت خود را در درون یک تشکل منطقه‌ای تعریف کنند (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

باری بوزان متخصص آمریکایی در مطالعات امنیتی و استراتژیکی، مؤلفه‌های زیر را برای ایجاد نظام منطقه‌ای نوین در آخرین اثر خود (مناطق و قدرت‌ها) بیان می‌کند: ۱- مجاورت و نزدیکی جغرافیایی؛ ۲- درجه بالایی از قرابت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ ۳- تعاملات شدید و منظم بین اعضاء یا وابستگی متقابل قابل توجه آنها؛ ۴- شواهدی بر وجود میزانی از خودمختاری و تمایز از نظام جهانی و دارای استقلال (بوزان و آلی، ۱۳۸۸: ۴۰).

قرار داشتن ایران در کانون توجهات قدرت‌های خارجی و واقع شدن آن به عنوان بخشی از ژئواستراتژی قدرت‌های خارجی در روند سیاست ثبات‌سازی منطقه‌ای ایران مؤثر بوده است. کشور ایران به خاطر داشتن جمعیت زیاد (هجدهمین کشور پرجمعیت جهان)، قلمرو جغرافیایی پهناور (هجدهمین کشور پهناور جهان)، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی (شانزدهمین کشور دارنده منابع معدنی در جهان، بیست و یکمین کشور دارنده GDP در ژئواکونومی جهان)، (IMF, 2019) و برخوردار بودن از بیشترین ساحل خلیج فارس (۲۴۴۰ کیلومتر) و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای منطقه خزر در آسیای مرکزی و قفقاز، همانند پلی بین

سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، برخوردار از یک جغرافیای سیاسی ممتاز و یک ژئوکالچر منطقه‌ای و تأثیر گذار در تمام مناطق پیرامونش، ایران را دارای یک جایگاه ژئوپلیتیک ممتازی در نظام مناطق ژئوپلیتیکی جهان ساخته است (زارعی، ۱۳۹۷: ۹۸). از منظر ژئوپلیتیک نقش و جایگاه هر کشور در صحنه نظام بین الملل فقط در افکار و عقاید سیاستمداران و دستگاه دیپلماسی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه عوامل و مؤلفه‌های مادی و معنوی خاصی در یک کشور وجود دارد که فراتر از امیال و آرزوهای دولت مردان است و از آن می‌توان به عنوان عوامل ژئوپلیتیک ویژه یک کشور نام برد، که سیاست ملی و بین المللی یک کشور مانند ایران را تا حدود زیادی متأثر می‌سازد. بخشی از اقدامات سیاست بین‌الملل ناشی از تعاملات واحدهای سیاسی است. دوافکتور مهم یعنی اهداف، منابع و امکانات در کنش و واکنش بین دولت‌ها نقش فوق العاده‌ای دارند. تحقق اهداف با توانایی‌هایی همراه است که از آن میان، عوامل طبیعی، انسانی و جایگاه یک کشور در نظام بین‌المللی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند (عباسی سمنانی، ۱۳۹۲: ۹۶). البته در بحث‌هایی که درباره موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ایران مطرح شده، همواره جنبه‌های مثبت و فرصت‌ساز این موقعیت مدنظر قرار گرفته و کمتر سخنی از وجوه منفی و تهدیدزای آن به میان آمده است. این در حالی است که ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده که یکی از رین مناطق جهان به شمار می‌رود، منطقه‌ای که به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک آن و دخالت در رقابت قدرت‌های بزرگ، همواره در آن کشمکش، آشوب و خشونت وجود داشته است و نه تنها امید چندانی به بهبود وضعیت آن نمی‌رود، بلکه بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند که آینده این منطقه تاریک‌تر از گذشته خواهد بود. نا گفته نگذیریم که: در نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی سائول کوهن خاورمیانه یکی از سه منطقه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای است که او آنها را اصطلاحاً «کمر بند شکننده» می‌نامد که از یک طرف مهم‌ترین عناصر منطقه‌ای آن مانند ایران، عراق، ترکیه، مصر، اسرائیل و سوریه با هم در رقابت‌اند و وحدتی بین آنها وجود ندارد. ایران نیز در نظریه سیستمی کوهن جزو عناصر بی‌قرینه است که به دلیل شکل خاص نظام سیاسی و نحوه تعامل با نظام جهانی، دارای ظرفیت دگرگونی و مورد توجه است. بنابراین ایران از دیدگاه کوهن، کشوری در منطقه خرد شده است که امکان اتحاد آن با سایر کشورهای منطقه وجود ندارد (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱۱). به علاوه در همسایگی ایران طیفی از دولت‌های ضعیف و بی‌ثبات واقع شده‌اند که تهدیدات و هزینه‌های مختلفی برای کشور دارد. طبعاً تعدد دیدگاه‌های متفاوت ژئوپلیتیک و نظام‌های ایدئولوژیک از یک سو باعث کمرنگ شدن تفاهم‌ها و همکاری‌های نهادینه شده منطقه‌ای است و از سوی دیگر تداخل و روی هم افتادگی مکانی و جغرافیایی این دیدگاه‌ها، باعث افزایش تنش در سرتاسر حوزه‌های ژئوپلیتیکی این منطقه شده است. در واقع بیشترین تراکم و فشردگی تنش‌ها را می‌توان در

حوزه‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس، خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی یافت (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۳۰).

اصولاً مفهوم منطقه‌گرایی و ایجاد ترکیب‌های فراملی زمانی قابل تحقق است که دولت‌ها بتوانند حاکمیت ملی داشته باشند و در چارچوب‌های مختلف فعالیت‌های فراملی با دول و سازمان‌های دیگر انجام دهند. در محیط فوری جغرافیایی و امنیت ملی ایران اکثریت کشورها یا دچار زوال جدی سیاسی و اقتصادی هستند و یا از درجه وابستگی خارجی قابل توجهی برخوردارند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۳۲). با تکیه بر بحث ارائه شده و با توجه به شرایط امروز برخی همسایگان ایران و نیز آینده مبهم آنها، «ثبات‌سازی» را مهم‌ترین هدف سیاست‌های امنیتی ایران در محیط پیرامونی باید دانست.

روش‌شناسی پژوهش

روش اصلی این پژوهش، تحلیلی-توصیفی و روش جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش بنا به سرشت روش‌شناسی آن بر پایه اطلاعات کتابخانه‌ای است. در مراحل اجرایی تحقیق با بهره‌گیری از روش قیاسی در مقیاس بسیار وسیع سود خواهیم برد. تحقیق موجود از ابتدا تا نتیجه‌گیری مراحل زیر را سپری نموده است:

- شناسایی و گردآوری منابع کتابخانه‌ای شامل منابع جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، روابط بین‌الملل و علوم سیاسی، حقوق و ...؛
- مطالعه و کنکاش در منابع گردآوری شده و استخراج مطلب مورد نظر تحقیق از طریق فیش برداری؛
- تدوین و جمع‌بندی اطلاعات جمع‌آوری شده؛
- بررسی، تجزیه و تحلیل اطلاعات، تهیه گزارش پایانی و نتیجه‌گیری.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مطابق نتایج و یافته‌های تحقیق، دیدگاه‌های موجود در مورد نقش ژئوپلیتیک در سیاست‌های نظام امنیت منطقه‌ای ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) دیدگاه انزواطلبی؛ ب) مشارکت ایران در نظام امنیت منطقه‌ای.

ژئوپلیتیک و دیدگاه انزواطلبی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای

این دیدگاه بر اساس سناریوی بدبینانه معتقد است سازمان‌های همکاری منطقه‌ای در میان کشورهای در حال توسعه، امکان‌چندانی برای توسعه همه‌جانبه و نقش‌آفرینی سیاسی در سطح

بین‌المللی ندارند؛ به خصوص اینکه بسیاری از کشورهای منطقه‌ای ایران قادر به ایفای نقش مستقل و تعیین‌کننده نیستند. علاوه بر این، نمی‌تواند به راحتی در محیط منطقه‌ای خود ادغام شود. به طوری که ایران دیگر در میان کشورهای همسایه خود، هم‌پیمانی ندارد و اختلافات قومی، زبانی و مذهبی در منطقه خاورمیانه مانع بزرگی فراروی همکاری منطقه‌ای جهت ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای محسوب می‌شود. همچنین تضادهای جغرافیایی و سیاسی فراوانی میان ایران و همسایگان آن وجود دارد. دیگر اینکه این کشور در احاطه سه قدرت منطقه‌ای سنی مذهب یعنی عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی محیط استراتژیک ایران موجب انزوای بیشتر ایران و در نگاه کلی، روند ائتلاف‌سازی امنیتی را برای ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای با مشکل اساسی روبرو ساخته است.

به عبارت روشن، طرفداران دیدگاه اول معتقدند که ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود و تعارضات ژئوپلیتیکی پیرامون آن، به هیچ‌عنوان قادر به ایجاد و یا مشارکت در یک نظام امنیت منطقه‌ای نیست و لذا ایران به حکم ژئوپلیتیک، کشوری منزوی بوده و خواهد ماند. در اینجا ضروری است هم به صورت مفهومی و هم به صورت مصداقی به بررسی تعارضات و چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران با کشورهای همسایه - که در واقع اولویت اصلی تشکیل ائتلاف‌های امنیتی منطقه‌ای ایران محسوب می‌شوند - پرداخته شود.

کاربری گروه‌های قومی - فضایی علیه یکدیگر توسط کشورهای ایران، عراق، ترکمنستان، آذربایجان، پاکستان، دستیابی پاکستان به تسلیحات هسته‌ای و تعارض منافع اسلام آباد و تهران، چالش منافع تهران و آنکارا در آسیای مرکزی و قفقاز، طرح مسأله جزایر سه گانه و تغییر نام خلیج فارس توسط امارات، عربستان، کویت، بحرین، قطر، عمان علیه ایران، کنترل سرچشمه و مسیر رودخانه هیرمند توسط افغانستان، ژئوپلیتیک جدید شیعه و روابط ایران با همسایگان، رقابت میان ایران، عربستان و ترکیه جهت پیشبرد قدرت هژمومیک در منطقه خاورمیانه، نمونه‌های بارزی از چالش‌های ژئوپلیتیکی موجود در محیط سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود. در این راستا، اساساً نسبت به وجود امکان مشارکت جدی در یک اتحادیه یا سازمان منطقه‌ای با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران محل تردید وجود دارد؛ به عبارت دیگر، یافته‌های این پژوهش همانند دستاوردهای برخی از پژوهشگران نشان می‌دهد که موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی و چالش‌های ژئوپلیتیکی منشعب از آن و تاریخ سیاسی ایران به این کشور اجازه نمی‌دهد تا بتواند منافع امنیتی مشترکی با سایر کشورهای منطقه تعریف و در قالب‌های ائتلاف یا اتحادیه پیگیری نماید. در این رابطه نیز نتایج تحقیقات دکتر فریبرز مختاری استاد مطالعات استراتژیک خاورمیانه در دانشگاه دفاع ملی آمریکا طی مقاله‌ای با عنوان

«زمینه‌های تاریخی روانشناسی ملی در دیدگاه‌های امنیتی ایران» نیز پشتیبان یافته‌های این پژوهش می‌باشد و نکات زیر را یادآوری می‌کند:

۱- واقعیت‌های ژئوپلیتیکی و روانشناسی ملی دو عامل مهم و تعیین کننده شکل گیری فهم و ادراک امنیتی ایران هستند؛

۲- فهم امنیتی ایران با توجه به تجربیات تاریخی و سابقه طولانی جنگ‌ها، حمله‌ها و دست‌اندازی‌ها به قلمرو امپراطوری ایران، به ویژه تحولات غم بار قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی که منجر به جدا شدن بخش‌های بزرگی از سرزمین اصلی شد، شکل گرفته است. با این وجود، در تاریخ معاصر ایران هیچ‌گاه ادعایی علیه کشورهای همسایه خود که تقریباً تمامی آن‌ها بخش‌هایی از ایران بوده‌اند، نداشته است؛

۳- همچنین با توجه به خیانت‌هایی که از جانب قدرت‌های بزرگ نسبت به ایران در طول تاریخ معاصر - به ویژه در جریان حمله روسیه تزاری و تحولات جنگ‌های جهانی اول و دوم - شده است، ایران تقریباً اعتماد خود به فرمول‌هایی مانند «اتحاد»، «بی طرفی» و یا «مشارکت برای تأمین امنیت» را از دست داده است؛

۴- برداشت‌های روانشناختی ملی در ایران برگرفته از زمینه‌های تاریخی پیش روی این کشور، آن را به سوی بازدارندگی به عنوان اساسی‌ترین مؤلفه و عنصر تشکیل دهنده برقراری امنیت سوق داده است.

تاریخ معرف این واقعیت است که ایران به واسطه ویژگی‌های ممتاز فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی نتوانسته است با همسایگان خود ائتلاف کند و کشوری است خاص. در مقام مقایسه با ایران، بسیاری از همسایگان [به استثنای ترکیه] در حقارت ژئوپلیتیکی بسر می‌برند. ماهیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران به گونه‌ای است که بدون قاعده‌مندی ارتباطی با مرکز قدرت جهانی نمی‌تواند به ائتلاف‌های منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف و از جمله در حوزه امنیتی دست یابد. روسیه و آمریکا از جمله این مراکز قدرت جهانی‌اند که ایران در صورت برقراری روابط ساختارمند، عمیق و استراتژیک با قدرت‌های درجه یک جهانی - نه قطعاً از جنس روابط تاکتیکی و موضعی ایران و روسیه - شرایط و زمینه‌های زیربنایی اتحاد با سایر کشورها و منجمله با کشورهای همسایه را خواهد داشت. به عنوان نمونه، روسیه که نگران ضریب و میزان نفوذ ژئوپلیتیکی خود در ضلع جنوبی مرزهای خود است، از شکل‌گیری هر اتحاد استراتژیک امنیتی بین ایران، ترکیه و کشورهای حوزه قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی جلوگیری خواهد کرد یا آمریکا از طریق پیگیری سیاست ایران هراسی، مانع اساسی در شکل‌گیری سازه‌های امنیتی در تمام

حوزه پیرامونی ایران و به طور مصداقی در ضلع جنوبی ایران با کشورهای عربی خلیج فارس است. لذا جمهوری اسلامی ایران با توجه به معضلات مذکور و نیز فقدان چتر حمایتی بین المللی نمی‌تواند به تعریف روشن و عملیاتی از نقطه نظر استراتژیک و فراگیر با همسایگان خود حتی بر اساس مبانی مذهبی یا زبانی و قومی نایل آید.

ژئوپلیتیک و عضویت و مشارکت ایران در نظام امنیت منطقه‌ای

در مقابل دیدگاه فوق، به نظر می‌رسد برخی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی نظیر مرزهای طولانی و کنترل ناشدنی، تراکم فوق العاده زیاد تهدیدهای بیرونی و به عبارتی وجود کانون‌های تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم در محیط استراتژیک ایران لزوماً ایجاب می‌کند تا این کشور در نظام‌های امنیتی موجود در منطقه مشارکت نماید. این دیدگاه بر ضرورت عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه ائتلاف‌های امنیتی در مقیاس منطقه‌ای (فراملی) تأکید دارد و معتقد است سازمان‌های منطقه‌ای، ساختارهای سیاسی و امنیتی و اقتصادی نوظهوری هستند که برای تعدیل قدرت هژمونیک آمریکا، ممانعت از تک قطبی شدن نظام بین الملل و ایجاد توازن در نظام جهانی ضرورت دارند. همچنین جمهوری اسلامی ایران با عضویت در این سازمان‌ها می‌تواند موقعیت برتر ژئوپلیتیکی خود را ارتقاء دهد؛ چرا که قادر است فرصت‌های مطلوبی در خصوص ترانزیت کالا و انرژی فراهم کند. در این راستا، ایران باید از موقعیت ژئوپلیتیکی خود در جهت تنظیم روابط با سایر قدرت‌ها و کسب حداکثری منافع ملی بهره‌برداری نماید. ایران نباید اجازه دهد این موقعیت وجه المصلحت مناسب قدرت‌های بزرگ قرار گیرد و به عبارتی ابزار تهدید یک قدرت علیه قدرت دیگر شود. هر چند به نظر می‌رسد با توجه به تعدد کمی همسایگان و تضادهای ژئوپلیتیکی میان آنها با ایران و نیز با همدیگر، ایران نتواند یک سازه ائتلافی فراگیر امنیتی با حضور تمام واحدهای سیاسی همجوار شکل دهد، اما زمینه‌های ائتلاف در موارد زیر قابل تحقق و شکل‌پذیری است:

الف) ائتلاف امنیتی در حوزه خلیج فارس؛

ب) ائتلاف امنیتی با افغانستان و ترکمنستان در چارچوب امنیت شرق و شمال شرق کشور؛

ج) ائتلاف امنیتی با ترکیه و عراق؛

د) ائتلاف امنیتی با آذربایجان، ترکمنستان، روسیه، قزاقستان در حوزه خزر؛

و) ائتلاف امنیتی - اقتصادی با پاکستان و هند؛

ه) ائتلاف امنیتی، اقتصادی و سیاسی با کشورهای تحول‌خواهی که بیداری اسلامی در آنها شکل گرفته نظیر مصر، تونس، لیبی، یمن و سایر کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا جهت مقابله با قدرت روزافزون منطقه‌ای اسرائیل.

با عنایت به توضیحات فوق، محورهای عمده دیدگاه‌ها و نظرات مؤافقان و مخالفان داخل کشور نسبت به عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای به ویژه ائتلاف‌های امنیتی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

جدول (۱) دیدگاه‌ها و نظرات مؤافقان و مخالفان داخل کشور نسبت به عضویت ایران در سازمان‌های منطقه‌ای

مؤافقان	مخالفان
<p>۱- انتخابی مناسب به منظور رویارویی با خطرات احتمالی ناتو - آمریکا در همسایگی ایران؛</p> <p>۲- کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی با گره زدن منافع امنیتی ایران با این سازمان‌ها در بخش‌های تروریسم، مبارزه با مواد مخدر و مبارزه با تجزیه طلبی با توجه به اشتراک منافع ایران با اهداف سازمان؛</p> <p>۳- حفظ و گسترش بازار مصرف بزرگ و بادوام برای نفت و صادرات غیرنفتی و رفع نیازمندی‌های فناوریانه و منابع مالی مورد نیاز برای توسعه اقتصادی؛</p> <p>۴- تقویت روند منطقه گرایی در نظام بین الملل و احتمال تأثیرگذاری آن بر سیاست‌گذاری‌های کلان بین المللی؛</p> <p>۵- گسترش روحیه اعتماد، حسن نیت، همکاری، ثبات و ارائه یک چهره دوستانه و مثبت از ایران.</p>	<p>۱- موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در طول تاریخ موجب شده است تا این کشور همواره در طول تاریخ وجه المصلحه قدرت‌های بزرگ قرار گیرد؛ این امر بدین معنی است که ایران فاقد امکانات و ظرفیت‌های لازم برای عضویت در پیمان‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای است؛</p> <p>۲- سازمان‌های منطقه‌ای فاقد انسجام لازم در قبال مسائل بین المللی هستند؛</p> <p>۳- ناپایداری‌های سیاسی و امنیتی در کشورهای منطقه، آینده این کشورها را با ابهام مواجه ساخته است؛ بنابراین امکان برقراری ارتباط محکم و استراتژیک با این کشورها تا حدود زیادی دور از انتظار خواهد بود (زارعی، ۱۳۹۰).</p>

نتیجه گیری و پیشنهادها

جهان ژئوپلیتیک پس از جنگ سرد و از فردای فروپاشی نظام دو قطبی، دگرگونی‌های گسترده و ژرفی را آغاز نموده که تاکنون تداوم یافته است که استقلال بیش از پیش پویش‌های امنیتی سطح منطقه‌ای از آن جمله است. در این بین، ایران با توجه به تعدد همسایگانش (۱۵ همسایه) و نیز همسایه شدن با کشورهای جدید در حوزه شمالی خود به جای ابرقدرت شوروی، و ناپداری امنیتی پیرامون مرزهای شمال‌اش در آستانه تحول رویکردی در سیاست‌های امنیت منطقه‌ای خود می‌باشد. این تحول ناشی از اقتضات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و همچنین اهداف و سیاست‌های منطقه‌ای آن است. تاریخ مناسبات خارجی ایران با محیط جغرافیایی پیرامون آن، مبین اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی این کشور از یک سو و تنهایی استراتژیک آن از سوی دیگر می‌باشد. بدین معنی که واقعیت‌های ژئوپلیتیکی ایران با توجه به ظرفیت‌ها و توان‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جغرافیایی به ایران منزلت ژئوپلیتیکی خاص، منحصر به فرد و غیر قابل

انکاری می‌دهد و از سوی دیگر این ویژگی‌های ژئوپلیتیکی ایران را تا حدودی خارج از ائتلاف‌ها و هم‌پیوندی‌های استراتژیک قرار می‌دهد. طبعاً ایجاد توازن و تعادل میان دو سوی این نامعاده و از قوه به فعل درآوردن ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی منحصر به فرد ایران در گرو مدیریت ذهنی و عملی تعارضاتی است که از این ترکیب غامض نشأت می‌گیرد.

عوامل درونی و بیرونی مختلفی در تنهایی استراتژیک ایران، علیرغم اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک مهم و بی‌بدیل آن دخیل است: شناخت ناکافی و به تبع آن عدم بهره‌برداری مناسب دولت‌مردان و سیاست‌گزاران ایران از موقعیت و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی در راستای امنیت ملی و منطقه‌ای، چالش‌های ژئوپلیتیکی موجود در محیط استراتژیک و پیرامونی آن، قرار داشتن ایران در مرکز توجه قدرت‌های جهانی و به عبارتی قرارگیری آن به عنوان بخشی از ژئواستراتژی قدرت‌های خارجی و در نهایت ناسازگاری هدف‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای بین کشورهای همسایه و پیرامونی ایران. بنابراین هژمونی ایران به صورت یک‌جانبه به آسانی امکان‌پذیر نیست و ایران برای رسیدن به این هدف می‌بایست با اتخاذ ائتلاف‌سازی با کشورهای بزرگ منطقه در چارچوب نظم کنسرتی به منزلت برتر منطقه‌ای دست یابد. از این رو ایران در وهله اول می‌باید سیاست مصالحه‌گرایی و ثبات‌سازی در همکاری‌های منطقه‌ای را به منظور موازنه بخشی ادامه دهد و با توجه به آمادگی مؤثر و فراگیر خود برای همکاری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به ائتلاف با قدرت‌های بزرگ منطقه که مطلوبیت‌های استراتژیک دارند بپردازد. در این زمینه، تصمیم‌سازان ایران باید تلاش کنند تا شرایطی ایجاد شود که بر اساس آن طیف گسترده‌ای از همکاری‌های معطوف به مشارکت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تسهیل گردد.

بطور کلی ایران با چندین راهکار برای ارتقاء جایگاه خود در سازمان‌های منطقه‌ای به منظور ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای شامل؛ همکاری‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و به ویژه امنیتی و نظامی مواجه است که عبارتند از:

- پی‌ریزی سازمان‌های منطقه‌ای با محوریت ایران و یا هنجارسازی عمده در راستای تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای توسط این کشور بویژه در حوزه شمالی کشور؛
- ارتقاء عضویت ایران در برخی سازمان‌های منطقه‌ای موجود نظیر سازمان همکاری شانگ‌های؛
- برقراری اتحاد با کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای و مبنا قرار دادن این اتحاد برای تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای.

باید توجه داشت که برخی راهکارها از جمله ایجاد سازمان منطقه‌ای با محوریت ایران با توجه به شرایط موجود منطقه در آینده کوتاه و میان‌مدت امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین با توجه به تحلیل ارائه شده در این تحقیق می‌توان برخی دیگر از راهکارها را عملی‌تر و امکان‌پذیرتر دانست؛

به عنوان مثال، ارتقاء عضویت ایران در سازمان همکاری شانگ‌های عملی‌تر از پی‌ریزی یک سازمان منطقه‌ای با محوریت ایران برای ایجاد نظام امنیت منطقه‌ای است.

در پایان بایستی اشاره نمود که اگرچه در این پژوهش تلاش شد با بررسی عوامل ژئوپلیتیکی ایران و نقش آن در ساخت نظام امنیت منطقه‌ای با رویکرد کتابخانه‌ای پرداخته شود، اما به نظر می‌رسد می‌توان با پژوهشی میدانی و مصاحبه با خبرگان این حوزه به شناسایی دقیق عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در ساخت نظام امنیت منطقه‌ای پرداخت که پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی مورد تأکید قرار گیرد.

قدردانی

از خبرگان توانمندی که در طول پژوهش، دانش خویش را سخاوتمندانه در اختیار محققان این پژوهش قرار دادند و استواری پژوهش حاضر بر مشارکت و دانش این بزرگواران قرار گرفته است بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸). *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: انتشارات مرکز اسناد و مدارک انقلاب اسلامی.
- اعظمی، هادی؛ زرقانی، سید هادی و دبیری علی اکبر. (۱۳۹۱). تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل دهی به سازمان‌های منطقه‌ای. *پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل*، (۱)، ۱.
- افتخاری، اصغر و حاجی یوسفی، امیراحمد. (۱۳۸۱). «سیاست امنیتی ایران»، تهران: *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*. (۳۳).
- ایزدی، جهانبخش. (۱۳۸۴). *آسیب شناسی دیپلماسی و سیاست خارجی ایران*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- بوزان، باری و ویور، آلی. (۱۳۸۸). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). *میزگرد «ایران شناسی: رویکردهای دفاعی و امنیتی»*، تهران: *فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی*، (۲۶).
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۳). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). «یک منطقه ژئوپلیتیکی چگونه تحول می‌یابد؟»، تهران: *فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک*، (۱۷).

- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- الحروب، خالد. (۱۳۸۷). «پیش به سوی ساختار مشترک امنیت منطقه‌ای شورای همکاری - ایران»، روزنامه عربی الدستور، ۲۰۰۸/۱/۲۳
- -دادز، کلاوس. (۱۳۹۲). *رویکرد نوین به ژئوپلیتیک انتقادی*، مترجمان: رسول افضلی، عمران راستی، افشین متقی و رسول بابایی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- درایسدل، آلاسدر و بلیک، جرال د. (۱۳۷۰). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- راندوف، گروفن. (۱۳۸۵). *بولتن رسانه‌های دنیا به نقل از سایت دی، تهران: اداره کل رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد.*
- رضایی، محسن. (۱۳۸۴). *ایران منطقه‌ای*، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین المللی*، تهران: انتشارات سمت.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۷). *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- -زارعی، بهادر. (۱۳۹۵). *ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، تهران: دانشگاه تهران.
- زارعی، بهادر. (۱۳۹۷). *امنیت ملی و جغرافیای سیاسی ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۷۹). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سلیمانی مقدم، پرویز. (۱۳۸۷). *نقش گداهای ژئوپلیتیکی در تعیین استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب غربی آسیا*، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیف زاده، سید حسین. (۱۳۸۴). *سیاست خارجی ایران*، تهران: نشر میزان.
- شریعتی نیا، محسن. (۱۳۸۵). *گزارش راهبردی «رویکرد ایران به همسایگان ضعیف و بی ثبات»*، گزارش شماره ۱۸۵، فروردین، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- عباسی سمنانی، علیرضا. (۱۳۹۲). *موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه ای و جهان. فصلنامه علمی - پژوهشی اطلاعات جغرافیایی « سپهر »*، ۲۲(۸۶-۱)، ۹۶-۱۰۴.
- عزتی، عزت الله. (۱۳۷۱). *ژئوپلیتیک*، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت الله. (۱۳۸۱). *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، تهران: انتشارات سمت.
- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۷۳). *روابط بین الملل در تئوری و در عمل*، تهران: نشر قومس.

- کامران، حسن و کریمی پور، یداله. (۱۳۸۱). جهانی شدن، منطقه گرایی و دولت - ملت ها. پژوهشهای جغرافیایی، ۳۴(۴۲)، ۳۹-۴۷.
- کاویانی راد، مراد و مالدار، حسن. (۱۳۹۶). تاثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران). پژوهشهای جغرافیای انسانی (پژوهش های جغرافیایی)، ۴۹(۴)، ۸۴۱-۸۵۵.
- کریمی پور، یدالله. (۱۳۹۴). جغرافیا نخست در خدمت صلح، تهران: انتشارات انتخاب.
- کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
- کاکس، رابرت دلبلیو. (۱۳۸۰). رئالیسم نو، ترجمه مهدی رحمانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لاکوست، ایو. (۱۳۹۱). از ژئوپلیتیک تا چشم‌انداز. ترجمه سیروس سهامی. تهران: انتشارات پژوهشکده امیرکبیر.
- لیک، دیوید ای. و پاتریک م. مورگان. (۱۳۸۱). نظم های منطقه ای، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۵). ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی، تهران: انتشارات نی.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۶). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
- مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دُرّه میرحیدر، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی.
- مؤمن زاده، رضا. (۱۳۸۶). مفاهیم اساسی در رابطه جغرافیا و امنیت ملی، تهران: فصلنامه سپهر، ۲۷-۳۴: (۲۳).
- نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۸). ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه ای. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۲(۵): ۱۳۹-۱۵۲.
- نوروزی، محمد تقی. (۱۳۸۵). فرهنگ دفاعی - امنیتی، تهران: نشر سنا.
- ولی پورزرومی، سید حسین. (۱۳۸۳). گفتمان های امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هاگت، پیترو. (۱۳۷۵). جغرافیا ترکیبی نو (جلد دوم)، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: انتشارات سمت.
- هرزیگ، ادوموند. (۱۳۷۵). ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- Bayman - Daniel & Shahrām Choobin & Anoushirvan Ehteshami. (2001) Iran's Security Policy, RAND.

- Barry, B. (1991). *People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-Cold War era*. Harvester Wheatsheaf.
- Cohen S, B.(2015), *The Geography of International Relations*. Rowman & Little field London Pres.
- Cohen, B. Saul.(1989) *Interdependent but Separated International Geopolitical Systems*, New York Press.
- *IMF. International Monetary Fund*.
- *The Geopolitical Pivot of History*, the *Geographical Journal*, pp: 421- 422.
- www.mideast.org/Middle - East-Gournal, vol: 59.